

رویکردی انتقادی به کتاب/امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه

رحمت حاجی‌مینه*

چکیده

خاورمیانه به لحاظ امنیت از مناطق مهم جهان بوده که متون زیادی درباره آن خصوصاً در سال‌های اخیر نوشته شده است. یکی از متن‌های اخیر در این باره کتاب/امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه نوشته پینار بیلگین است که روندهای امنیت را براساس رابطه بین منطقه و رویه‌های عملی در الگوی چهارگانه خاورمیانه، نظام منطقه‌ای عرب، خاورمیانه اسلامی، و ارو - مدیترانه با رویکردی انتقادی بررسی می‌کند. در این مقاله که کتاب ذکر شده بررسی می‌شود، سؤال اصلی این است که بازنگری انتقادی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه از دیدگاه بیلگین چه نوآوری نظری و عملی داشته است؟ فرضیه اصلی مقاله نیز چنین است که رویکرد انتقادی به امنیت منطقه‌ای، ضمن نقد نظریه‌های سنتی، تلاش کرده است الگوی جدیدی از امنیت منطقه‌ای برگرفته از جامعه امنیتی کارل دوپیچ و همکارانش معرفی کند، هرچند در عمل امکان شکل‌گیری اش با چالش‌های جدی روبه‌رو است. در واقع، بیلگین تلاش کرده ضمن بررسی دیدگاه‌های سنتی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه، الگویی بومی معرفی کند که امنیت را از پایین به بالا و از داخل به خارج نگاه می‌کند، گرچه به لحاظ عملی، امنیت منطقه‌ای خاورمیانه هم‌چنان دولت‌محور و از بالا به پایین است.

کلیدواژه‌ها: خاورمیانه، امنیت انتقادی، امنیت جهان عرب، خاورمیانه اسلامی، ارو - مدیترانه.

* استادیار روابط بین‌الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
r.hajimineh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶

۱. مقدمه

بررسی و مطالعه امنیت جایگاهی محوری در بررسی روابط بین‌الملل دارد، وضعیتی که بر رشته منطقه‌گرایی نیز کاملاً سایه انداخته است؛ به گونه‌ای که امنیت هم‌چنان رکن اساسی انگیزه بازیگران برای تشکیل مناطق را شکل می‌دهد. در واقع، امنیت منطقه‌ای یکی از مفاهیم زیرشاخه مطالعات امنیت در قرن بیستم است که بعد از جنگ سرد با عنوان منطقه‌گرایی به مثابه یک چشم‌انداز نظم امنیتی شناخته شد. در این چهارچوب، منطقه یک واحد جغرافیایی است که از چندین کشور تشکیل شده که حدود آن براساس مرزهای فیزیکی و ویژگی‌های ایدئولوژیک تعیین می‌شوند (جعفری ولدانی ۱۳۸۸: ۲۴). لوئیس فاست معتقد است که کشورها در روند منطقه‌گرایی به دنبال قدرت و امنیت‌اند و در جهت بقای نظام خود با دیگر کشورها همکاری می‌کنند. دولت‌های نیرومند و قوی منطقه بنیان‌گذاران روند منطقه‌گرایی‌اند و دولت‌های کوچک به دنبال دستیابی به مزایای همکاری‌های منطقه‌ای‌اند که حداقل آن تأمین ثبات و امنیت است (فاست ۱۳۹۲: ۳۰۸).

در این زمینه، خاورمیانه یکی از مناطق جغرافیایی به لحاظ تاریخی است که ریشه آن به قرن نوزدهم و حتی قبل از آن بازمی‌گردد. خاورمیانه در طول دهه‌های گذشته از ناامن‌ترین و بی‌ثبات‌ترین مناطق در میان مناطق مختلف جهان بوده است. در حالی که دولت‌های اغلب مناطق جهان قادر به ایجاد نوعی از نظم امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر مشارکت و همکاری بازیگران درون منطقه بوده‌اند، خاورمیانه در تحقق چنین امری ناکام مانده است. وضعیتی که از نگاه دانشگاهیان و اندیشمندان حوزه منطقه‌گرایی دور نبوده است؛ در گذشته بیش‌تر اندیشمندان غربی به مطالعات منطقه‌ای در خاورمیانه ابراز تمایل می‌کردند، طی سال‌های اخیر نیز رویکرد مطالعات منطقه‌ای در میان نخبگان کشورهای این منطقه از رونق قابل توجهی برخوردار شده است.

کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه (Regional Security in the Middle East)* تألیف «پینار بیلگین» (Pinar Bilgin)، اندیشمند ترکیه‌ای، از جمله این آثار است که با ترجمه عسگر قهرمان‌پور و نشر ابرار معاصر در صدد است رویکردهای متعارض در منطقه خاورمیانه را به لحاظ تاریخی با نگاهی انتقادی بررسی کند تا ضمن بررسی دلایل ناکامی رویکردهای پیشین در شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه، الگوهای جدیدی را معرفی کند. بنابراین، سؤال اصلی مقاله این است که بازنگری انتقادی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه

از دیدگاه بیلگین، چه نوآوری نظری و عملی داشته است؟ فرضیه اصلی مقاله بر این اساس است که نویسنده کتاب با اتخاذ رویکرد انتقادی به امنیت منطقه‌ای، ضمن نقد نظریه‌های سستی و غیربومی به امنیت در خاورمیانه، تلاش کرده الگوی جدیدی از امنیت منطقه‌ای برگرفته از جامعه امنیتی کارل دویچ معرفی کند، هرچند در عمل امکان شکل‌گیری آن با چالش‌های جدی روبه‌رو است.

مقاله پیش رو در سه بخش سازمان‌دهی شده است، بخش اول به معرفی کتاب *امنیت منطقه‌ای* و مؤلف آن می‌پردازد. بخش دوم نیز شامل ارزیابی اثر به‌لحاظ شکلی و محتوایی خواهد بود. سرانجام در بخش سوم با عنوان نتیجه‌گیری، ضمن مروری بر یافته‌های پژوهش، جمع‌بندی نهایی درباره اثر ارائه خواهد شد.

۲. معرفی و توصیف اثر

۱.۲ مؤلف

پینار بیلگین از نویسندگان معروف و پرکار ترکیه در سال‌های اخیر است که در حوزه امنیت و منطقه خاورمیانه پژوهش‌های زیادی انجام داده است. نخستین کار بیلگین در حوزه امنیت مقاله مشترکی بود که با استادان برجسته این حوزه، کن بوث (Ken Booth) و ریچارد واین جونز (Richard Wyn Jones)، در سال ۱۹۹۸ با عنوان «مطالعات امنیت: مرحله بعد؟» به نگارش درآورد و به مقدمه‌ای برای انجام کارهای پیش‌تر در حوزه امنیت خصوصاً از بُعد انتقادی در سال‌های آینده تبدیل شد. آنچه در این خصوص قابل توجه است سوابق تحصیلی پینار بیلگین است که تا اندازه زیادی در حوزه مطالعاتی‌اش تأثیر گذاشته و او را به یکی از متخصصان حوزه مطالعات امنیت در خاورمیانه تبدیل کرده است. بیلگین پس از فارغ‌التحصیل شدن در کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل در دانشگاه بیلکنت (Bilkent University) ترکیه موفق شد دو بورس تحصیلی دانشگاه ولز ابریثویث بریتانیا را برای مطالعات کارشناسی ارشد در رشته مطالعات استراتژیک و سپس دوره دکتری در سیاست بین‌الملل کسب کند. فرصتی که به وی امکان داد تا در محضر اساتید برجسته امنیت انتقادی، از جمله کن بوث و ریچارد واین جونز، کارهای پژوهشی مهمی را انجام دهد. کارهایی که به گفته خود بیلگین مقدمات نوشتن کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه* را برای وی فراهم کرد. کتابی که در مقاله حاضر ضمن معرفی مختصر به نقد و ارزیابی شکلی و محتوایی آن پرداخته خواهد شد.

۲.۲ معرفی کلی اثر (ساختار و فصل‌بندی کتاب)

کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه* نوشته پینار بیلگین نویسنده ترک است که از طرف انتشارات روتلج کرزون (Routledge Curzon) در سال ۲۰۰۵ به زبان انگلیسی منتشر شد. حدود نه سال پس از نگارش، عسگر قهرمان‌پور آن را با زبانی روان و شیوا به فارسی برگرداند و مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر تهران در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد. این کتاب که مشتمل بر ۲۸۶ صفحه است شامل یک مقدمه و سه بخش اصلی با عناوین گذشته، حال، و آینده است. نویسنده در مقدمه، ضمن اشاره به رویکردهای مسلط به امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه، اهداف سه‌گانه نگارش این کتاب از منظر انتقادی را بدین ترتیب مطرح می‌کند؛ نخست، ارائه نقدی از گفتمان‌های امنیتی حاکم در نظریه و عمل با ارجاع به امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه و اشاره به فوریت محقق‌نشده سیاست منطقه‌ای؛ دوم، کشف رابطه سازنده میان مناطق در حال ساخت و برداشت‌ها و رویه‌های عملی امنیت؛ سوم، تبیین این مسئله که چگونه رویکردهای انتقادی به فرد اجازه می‌دهند درباره آینده امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه به‌شکلی متفاوت بیندیشد (بیلگین ۱۳۹۳: ۱۷).

در بخش اول (گذشته) که طولانی‌ترین قسمت کتاب به لحاظ تعداد صفحات (۸۸ صفحه) و تعداد فصل (سه فصل) است، بر بحث‌های نظری و رویه‌های عملی دوران جنگ سرد تمرکز شده است. نویسنده در فصل اول با عنوان «گذشته، حال، و آینده امنیت»، پس از پرداختن کوتاه به سیر تحول اندیشه امنیتی در دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد، مبانی رویکرد انتقادی را مطرح می‌کند. بیلگین در این فصل به دنبال ارائه دید کلی از گذشته یعنی دوران جنگ سرد است و با اشاره به تاریخ و بستر رشد «بررسی‌های امنیت»، به‌منزله یک رشته آکادمیک، بحث خود را آغاز می‌کند (حق‌پناه ۱۳۹۴: ۱۷۵). سپس با تمرکز بر رابطه سازنده میان ساخت‌های ژئوپلیتیکی و رویه‌های عملی امنیت در گذشته و حال، خاورمیانه را در دوران جنگ سرد و پس از آن بررسی می‌کند.

فصل دوم با عنوان «بازنمودهای خاورمیانه در زمان جنگ سرد» به دنبال به‌دست‌آوردن برداشت‌هایی از امنیت است که در زمان جنگ سرد در منطقه خاورمیانه شکل گرفته‌اند (بیلگین ۱۳۹۳: ۸۹). هدف از این فصل نشان‌دادن این نکته است که مناطق به‌مثابه ساخت‌های ژئوپلیتیکی‌اند که ریشه در گفتمان‌های امنیتی ابداع‌کنندگان آن دارند. نویسنده با اتخاذ رویکرد انتقادی برای بررسی امنیت در خاورمیانه استدلال می‌کند که وضعیت کنونی امنیت منطقه‌ای خاورمیانه ریشه در ساخت‌های ژئوپلیتیکی امنیت به‌لحاظ تاریخی دارد.

فصل سوم نیز با عنوان «رویه‌های عملی امنیت در زمان جنگ سرد» به تجلی عملی نظریه‌های امنیت در این دوره می‌پردازد (همان: ۱۱۸). در این زمینه، نخست رویه‌های عملی متأثر از رویکردهای جنگ سرد به امنیت منطقه‌ای و سپس رویه‌های عملی بازیگران منطقه‌ای مبتنی بر نظام منطقه‌ای عرب و نهایتاً الزامات عملی رقابت بین این دو رویکرد ارائه خواهند شد. در این فصل‌ها، علاوه بر رویکرد آمریکایی با عنوان «بررسی‌های امنیت ملی» و سنت انگلیسی امنیت پژوهی ذیل عنوان «بررسی‌های راه‌بردی»، به مکتب تحقیقات صلح در حوزه اسکاندیناوی، مکتب کپنهاگ، و دیدگاه‌های مطالعات امنیتی در جهان سوم و بررسی‌های انتقادی امنیت اشاره شده است تا امکان تحلیل بازنمودهای امنیت در خاورمیانه و رویه‌های عملی حاکم بر امنیت‌سازی در فصول دوم و سوم فراهم آید (حق‌پناه ۱۳۹۴: ۱۷۵).

بخش دوم (حال) نیز با تمرکز بر نظریه‌ها و رویه‌های امنیتی دوره پس از جنگ سرد، کوتاه‌ترین بخش کتاب با ۲۶ صفحه، شامل دو فصل (چهارم و پنجم) است. فصل چهارم با عنوان «بازنمودهای خاورمیانه در دوران پس از جنگ سرد» در واقع ادامه مباحث فصل دوم است که به بازنمایی‌های دوگانه فضایی دوران جنگ سرد یعنی خاورمیانه و نظام امنیت منطقه‌ای عرب پرداخته است. در این فصل، به دو بازنمایی دیگر به نام‌های منطقه «ارو - مدیترانه» و «خاورمیانه اسلامی» پرداخته خواهد شد. الگوی ارو - مدیترانه به رویکرد اروپا به امنیت در مدیترانه و الگوی خاورمیانه اسلامی به امنیت از منظر گفتمان اسلامی می‌پردازد.

فصل پنجم با عنوان «رویه‌های عملی امنیت در دوران پس از جنگ سرد» (بیلگین ۱۳۹۳: ۱۶۹)، به منزله نتیجه‌گیری بخش دو نیز همانند فصل سوم، تجلی‌های عملی بازنمودهای چهارگانه خاص از منطقه شامل: نظام منطقه‌ای عرب، منطقه ارو - مدیترانه، خاورمیانه اسلامی، و خاورمیانه جدید را بررسی می‌کند. هدف این فصل نشان‌دادن این نکته است که چگونه بازنمودهای فضایی می‌توانند به شکل‌گیری رویه‌های عملی کمک کنند.

بخش سوم (آینده) به منزله بخش پایانی کتاب با حجم متوسط ۴۲ صفحه شامل دو فصل (ششم و هفتم) است. فصل ششم با عنوان «آینده‌های جای‌گزین برای امنیت در خاورمیانه» (همان: ۲۰۷)، با تمرکز بر آینده‌های احتمالی خاورمیانه، سناریوهای جای‌گزین و پی‌آمدهای بالقوه‌شان بر سیاست منطقه‌ای را بررسی می‌کند؛ البته در انجام چنین کاری بر پتانسیل ایجاد یک «جامعه امنیتی» منطبق با رویکرد انتقادی امنیت در چهارچوب یک طرح‌واره سه‌سطحی تأکید می‌شود.

نهایتاً در فصل هفتم کتاب با عنوان «نتیجه‌گیری» (همان: ۲۴۷)، ضمن مرور کلی مطالب ذکر شده در فصل‌های پیشین، تلاش شده است تا با ارائه چشم‌اندازی انتقادی برای اندیشیدن درباره آینده‌های امنیت منطقه‌ای، شکل‌گیری یک جامعه امنیتی در خاورمیانه امکان‌سنجی شود.

۳. نقد و ارزیابی اثر

در این بخش مقاله به نقد و ارزیابی کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه* از دو بعد شکلی و محتوایی پرداخته شده است. در هر دو بعد به امتیازات و کاستی‌های اثر پرداخته خواهد شد.

۱.۳ ارزیابی شکلی

۱.۱.۳ امتیازات شکلی

ویژگی‌های شکلی مثبت کتاب را می‌توان در پنج مورد بیان کرد:

نخست، جلد کتاب و تصویر نقش بسته بر آن، که منطقه خاورمیانه در بالا و سیم خاردار در پایین صفحه را به تصویر کشیده است، به خوبی دوگانگی اشاره شده در متن کتاب مبتنی بر مناطق در حال ساخت و رویه‌های عملی امنیت را در منطقه خاورمیانه منعکس می‌کند. خصوصاً این که استفاده از سیم خاردار در کنار خاورمیانه نه تنها نشان‌دهنده حاکم بودن تفکر امنیتی از جنس سخت به جای الگوی نرم در این منطقه، با توجه به منازعات موجود قابل مشاهده است، بلکه جدایی هویت‌ها و مرزها را در دوره جهانی شدن در این منطقه برجسته می‌سازد؛

دوم، فهرست مطالب کتاب و تقسیم‌بندی مباحث آن بر اساس دوره زمانی حال، گذشته، و آینده است، که ضمن نظم‌دهی خوب به ساختار کتاب فهم روند تاریخی مباحث امنیتی را درباره تحولات منطقه‌ای برای مخاطب آسان‌تر کرده است. در نتیجه، هدف کتاب نیز در جهت تبیین تفاوت دیدگاه‌های سنتی و چندگانه به مفهوم امنیت آشکارتر و بارزتر حاصل خواهد شد؛

سوم، حجم کتاب برای توصیف و تبیین مطالب متنوع به لحاظ کلی متناسب و استاندارد است، هر چند که تقسیم‌بندی آن برای فصل‌های چندگانه کتاب نامتوازن انجام گرفته و بر این ویژگی مثبت کتاب تأثیر گذاشته است؛

چهارم، صفحه‌بندی کتاب از قلم مناسب ضمن رعایت قواعد نگارشی و ترجمه روان و سلیس برخوردار است. به گونه‌ای که این سه‌گانه مثبت در کنار هم نه تنها به لحاظ شکلی این اثر را قابل قبول ساخته، بلکه از پراکندگی و ثقیل بودن فهم مطلب هم جلوگیری کرده است؛ پنجم، نوشتن نتیجه‌گیری برای هر کدام از فصل‌ها به‌طور جداگانه باعث شده است که ضمن انسجام شکلی فصل‌های کتاب، به دلیل تفاوت مطالب فصل‌ها به لحاظ زمانی، فهم هر فصل به‌طور مستقل امکان‌پذیر باشد.

۲.۱.۳ کاستی‌های شکلی

در بحث اشکالات شکلی کتاب می‌توان گفت، با وجود این که کتاب به لحاظ ساختار کلی از الگوی مناسبی برخوردار است، اما به لحاظ موردی اشکالاتی دارد که لازم است در ویرایش مجدد کتاب اصلاح و بازنگری شوند. مواردی که در ذیل به ترتیب ذکر می‌شوند.

۱.۲.۱.۳ عنوان کتاب

عنوان کتاب نقش مهمی در معرفی کتاب در نگاه اول دارد. آنچه درباره کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه* قابل توجه است نخست، ترجمه نشدن کامل عنوان اصلی آن *Regional Security in the Middle East, A Critical Perspective* است که ترجمه آن می‌شود *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه؛ رویکردی انتقادی*. امری که باعث شده است عنوان به شکلی ناقص ترجمه شود و عنوان اصلی به خوبی و کامل برگردانده نشود. دوم، ذکر نکردن عنوان اصلی کامل در بخش شناسه کتاب است؛ به گونه‌ای که عنوان اصلی نیز منطبق بر برگردان فارسی آن آورده شده است و قسمت *A Critical Perspective* از آن حذف شده است.

از طرف دیگر، عنوان‌های مشابهی در بین کتاب‌های فارسی داریم که برای جلوگیری از تکراری بودن عنوان نگارش کامل عنوان کتاب ضرورت دارد. از جمله کتاب‌هایی که عنوان آن‌ها بسیار نزدیک‌اند؛ نخست، کتاب *امنیت منطقه‌ای خاورمیانه (رویکردها و الزامات)*، که در سال ۱۳۹۱ علی عبدالله‌خانی به نگارش درآورده است. دوم، کتاب *ایجاد امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه (عوامل تأثیرگذار داخلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی)* که در سال ۲۰۰۴ به نگارش درآمده و بخش‌هایی از آن نیز ترجمه شده است (Maoz 2004). همان‌طور که در عنوان هر دو کتاب مشخص است، علاوه بر عنوان اصلی، توضیح جزئی هم درباره حوزه و دامنه کار آورده‌اند که به منحصربودن آن‌ها هم کمک می‌کند. آنچه در کتاب *امنیت منطقه‌ای در*

خاورمیانه هم بهتر بود لحاظ می‌شد تا تفاوت اصلی آن با عنوان‌های مشابه در این حوزه خصوصاً به لحاظ روشی مشخص‌تر می‌شد.

۲.۲.۱.۳ ساختار کتاب

مهم‌ترین اشکالات ساختار شکلی اثر عبارت‌اند از: نخست، تناسب‌نداشتن بخش‌های سه‌گانه کتاب به لحاظ حجم صفحات؛ به‌گونه‌ای که بخش اول شامل ۱۴۱ صفحه، بخش دوم ۵۴ صفحه، و بخش سوم ۵۵ صفحه است، تقسیم‌بندی ناموزون و ناهم‌گون است؛ دوم، تناسب‌نداشتن بخش‌های کتاب به لحاظ تعداد فصل‌ها؛ به‌طوری‌که بخش اول شامل سه فصل و بخش‌های دوم و سوم هرکدام شامل دو فصل‌اند. نکته مهم در این‌جا این است که فصل اول چه به لحاظ عنوان (گذشته، حال، و آینده) و چه به لحاظ موضوعی (تئوریک) با بخش اول (گذشته) هم‌خوانی ندارد و بهتر بود به شکل فصل جداگانه‌ای قبل از بخش‌های سه‌گانه با عنوان چهارچوب تئوریک آورده می‌شد؛ سوم، باوجود این‌که هر فصل به‌طور جداگانه دارای نتیجه‌گیری است، ولی هیچ‌کدام مقدمه ندارند. درحالی‌که وجود مقدمه برای پیوستگی مطالب بین فصل‌ها و همچنین بخش‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۳.۲.۱.۳ شیوه نشانی‌های درون‌متنی

در نشانی‌های درون‌متنی، که از الگوی معیار APA (نام خانوادگی نویسنده، سال: صفحه) پیروی شده است، در برخی موارد ویرگول بعد از نویسنده جا گذاشته شده یا یکی از پرانتزها نیامده است. نمونه‌ها به ترتیب صفحات در جدول ۱. منابع عبارت‌اند از:

جدول ۱. منابع

منبع	صفحه
(Solid 1994)	۳۹
(بوث، ۱۹۹۷) به فارسی تایپ شده است	۴۵
(Baldwin 1997; McSween/1999)	۶۴
Booth, 1998a: 29-55) پرانتز دوم ندارد	۷۳
(Gattung 1995; Kaldor 1997)	۷۴
(Davison 1960; Buheiry 1989;.....)	۹۰
(Heikar, 1979: 719) اسم نویسنده اشتباه تایپ شده است	۱۰۶
(Ortayli 1983; Palmer 1992) و (Ovendale 1998: 6; Monroe 1981: 19)	۱۱۸
(Clark 1973: 473-82) و (Chubin 1984: 125-74)	۱۲۲

(Campbell 1985: 40; Monroe 1981: 155-6)	۱۲۳
(Little 2002: 126)	۱۲۴
(Kurkcuog Lu 1972)	۱۲۵
(Gomaa: 1977: 234) و (Seabury 1949: 639; Gomaa 1997: 8-10)	۱۳۰
(Hassouna 1975: 9)	۱۳۱
(Niva 1999: 161; Khadduri 1957: 12-22)	۱۳۳
(Heikal 1996: 180-289)	۱۳۷
(Pfeifer 1993)	۱۳۹
(Duffield 1990: 4-5)	۱۴۰
(Blackwill and Sturmer 1997; Khalilzad 1997)	۱۴۶
(Said Aly 1996: 26-7)	۱۴۷
(E.Boulding 1994: 43; Naser 1997)	۱۴۸
(Salem 1997: 38)	۱۵۳
(Abu-Sulayman 1993: xv)	۱۵۷
(Faour 1993: 93-6)	۱۶۱
(Noori 2003)	۱۶۵
(Ebrahim 1996: 428-30; Korany 1997: 135)	۱۶۶
(Barnett and Gause 1998: 181-6)	۱۷۴
(Booth 1990)	۱۸۶
(Peters 1996: 89)	۱۹۷
(Hurrell and Woods 1995; UNRISD 1995)	۲۱۱
(Beck 2003; Kaldor 2003b)	۲۱۲
(Henwood 1993: 8; Benin 1999: 22)	۲۱۴
(Rosenau 1995: 49)	۲۱۶
(Pitner 2000)	۲۱۷
(Huntington 1993: 48-9)	۲۱۹
(Rubenstein and Crocker 1994: 128)	۲۲۰
(Barber 1995: 14) و (Doyle 1986; Russett 1995)	۲۲۲
(Adler and Barnett 1998b: 9)	۲۲۷
(Adler 1998b; Adler and Barnett 1998c: 42)	۲۳۷
(Booth 1994a; Booth and Vale 1997)	۲۴۸

نکته دیگر در بخش نشانی درون‌متنی، اتخاذکردن الگوی واحد در سراسر کتاب برای تکرار دوباره نشانی‌های درون‌متنی است، مثلاً برای این منظور در صفحات ۱۳، ۱۴، و ۱۴۰ از (ibid.) استفاده شده است، ولی در صفحات دیگر برای تکرار نشانی دوباره عیناً خود منبع آورده شده است. برای مثال در صفحات: ۹۸ و ۹۹ (Davison 1960: 669)، صفحه ۱۰۹ (Selim 1997)، صفحه ۱۱۱ (Klein 1994: 14)، صفحات ۱۱۳ و ۱۱۴ (Taukan 1997)، صفحه ۱۵۵ (Salim 1997)، صفحه ۱۰۶ (Heikar 1979: 719)، صفحه ۱۴۸ (E. Boulding 1994: 43;)، صفحه ۱۵۵ (Naser 1997)، صفحه ۲۲۷ (Deuschet al. 1957: vii, 3, 20-1). هم‌چنین، از آن‌جاکه در همه منابع برای نوشتن اسامی صورت لاتین آن‌ها استفاده شده است، لازم است تنها مورد مربوط به (بوث ۱۹۹۷) نیز در صفحه ۴۵ به لاتین نوشته شود.

۴.۲.۱.۳ ترجمه واژه‌ها و جملات

در این بخش از کاستی‌های شکلی به دو مورد از کاستی‌ها اشاره خواهد شد. نخست، واژه‌ها یا جملاتی که اشتباه ترجمه شده‌اند؛ دوم، واژه‌ها یا جملاتی که اشتباه در متن نگارش شده‌اند و ممکن است نگارش اشتباه آن‌ها تاییدی باشد نه ترجمه‌ای. نمونه‌های یافت‌شده در متن کتاب به ترتیب صفحات در جدول ۲ (ترجمه) آورده شده‌اند:

جدول ۲. ترجمه

ترجمه صحیح	ترجمه نادرست	اصطلاح انگلیسی	پاراگراف/خط	صفحه
همان‌طور که تحولات اخیر اسرائیل - فلسطین و جنگ علیه عراق به رهبری آمریکا نشان داده‌اند، نمی‌توان به راحتی درباره اهمیت ناامنی‌های خاورمیانه برای سیاست جهانی، بزرگ‌نمایی کرد.	تحولات اخیر در رژیم صهیونیستی - فلسطین و جنگ آمریکا علیه عراق. نمی‌توان اهمیت ناامنی‌های خاورمیانه را در سیاست جهانی به راحتی بزرگ‌نمایی کرد.	As the recent developments in Israel/Palestine and the US-led war on Iraq have showed, it is difficult to exaggerate the significance of Middle Eastern insecurities for world politics.	بند ۱، خط دوم	۹
مناطق ابداع شده	ساخت مناطق	inventing regions	بند ۱، خط ۵	۹
چهارچوبی مشخص	مسیرهای چهارچوبی	Contours of a framework	بند ۱، خط ۹	۹
توجه به خارج	به بیرون متوجه کردن	Directed outwards	بند ۱، خط ۱	۱۰
توجه به خارج	به بیرون متوجه کردن	Directed outwards	بند ۲، خط ۲	۱۱
ریشه‌های اتحادها	خاستگاه‌های اتحادها	The Origins of Alliances	بند ۲، خط ۱	۱۲
توجه به خارج	به بیرون متوجه کردن	Directed outwards	بند ۲، خط ۱	۱۳
مصیبت مردم فلسطین	مصیبت‌های مردم فلسطین در زمان	The Plight of Palestinian peoples	بند ۳، خط آخر	۱۳
مناطق ابداع شده	مناطق در حال ساخت	inventing regions	بند ۳، خط ۵	۱۷
در این جا، قصد	قصد در اینجا	The intention here	بند ۴، خط ۳	۱۷

هر بازنمود فضایی باتوجه‌به	هر بازنمود فضایی‌ای بسته به	Each special representation ...depending on	بند ۱ خط ۸ و ۹	۱۸
فصل‌های سه و پنج	فصل‌های سه و چهار	Chapter 3 and 5	بند ۱، خط ۱۰	۱۸
تقویت نکاتی	تقویت نقادر زمان	---	بند ۲، خط ۲	۱۹
ابداع‌شده	ساخته‌شده	Invented	بند ۱، خط ۳	۲۰
ابداع	اختراع	Invention	بند ۲، خط ۱۱	۲۱
بازاندیشی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه	بازاندیشی در امنیت منطقه‌ای خاورمیانه	Re-thinking regional security in Middle East	عنوان	۲۱
ابداع ژئوپلیتیکی	ساخت ژئوپلیتیکی / اختراعی ژئوپلیتیکی	a Geopolitical invention	بند ۳، خط ۱ و خط ۳	۲۲
خاورمیانه‌گرایی	شرق‌گرایی میانه	Middle Easterism	بند ۲، خط ۴	۲۲
ابداع ژئوپلیتیکی	ساخت‌های ژئوپلیتیکی	a Geopolitical invention	بند ۲، خط آخر	۲۶
شرایط	شرایدر	---	بند ۱، خط ۵	۳۷
با شروع از آن‌جا که دانشمندان، مفهوم امنیت جای‌گزین را جا انداخته‌اند.	با آغاز از جایی که دانشمندان امنیت جای‌گزین جا انداخته‌اند	---	بند ۱، خط ۱۱	۵۰
این طیف انتقادی	این در زمانف انتقادی	----	بند ۳، خط ۱	۵۹
که ابعاد زیست‌محیطی	که ابعاد زیست‌محیدر	-----	بند ۲، خط ۵	۶۰
نظم سیاسی	نظم سیاسی	---	بند ۲، خط ۱۱	۶۰

جمله تکراری است و باید حذف شود.	برعکس، بسیاری از دانشجویان به‌خاطر نارضایتی‌شان از وعده رویکردهای موجود درباره آینده سیاست جهان نیست	---	بند ۱، خط ۶ و ۷	۶۲
موضوعاتی که امنیت را به خطر می‌اندازند	موضوعاتی که ناامنی را به خطر می‌اندازند	--	بند ۳، خط ۳	۶۳
نیازمند عینیت بیش‌تر نه کم‌تر هستیم.	نیازمند بیش‌تر نه کم‌تر، عینیت هستیم	----	بند ۳، خط ۸	۶۹
«خاورمیانه»	«خاورمیانه»	----	بند ۴، خط ۶	۷۲
تحریم شرکت نستله	تحریم نستل	----	بند ۱، خط ۱	۷۶
«همه بازیگران غیردولتی نه همه بازیگران دولتی...»	«همه بازیگران غیردولتی نه همه بازیگران غیردولتی...»	----	بند ۲، خط ۴ و ۵	۷۶
«استراتژی، پیروی بی‌طرفانه نیست»	«استراتژی تعقیب خنثی نیست»	----	بند ۳، خط ۵	۷۹
ریچارد دیوتاک	ریچارد دیوتک	----	بند ۳، خط ۲	۸۱
اجتماع امنیتی	جماعت امنیتی	----	بند ۱، خط ۱ و بند ۲ خط ۴ و ۵ و ۷	۸۴
عوامل فراملی و فراملی	عوامل در زیر و فراتر از دولت‌ها	----	بند ۲، خط ۳	۸۵
دو نکته اصلی	دو نقطه اصلی	----	بند ۱، خط ۴ و ۵	۱۰۳
استراتژی غرب	استراتژی غربی	----	بند ۱، خط ۵	۱۰۳
Heikal	رفرنس Heikar	----	بند ۲، خط ۸	۱۰۶

م مسئله‌ساز شد.	مسئله‌ساز نشد	---	بند ۳، خط ۱	۱۵۰
که ریشه در امنیت ملی عرب داشت	که در ریشه امنیت ملی عرب قرار داشت	---	بند ۳، خط ۵،	۱۵۰
تهاجم عراق به کویت	تهاجم کویت به عراق	---	بند ۱، خط ۲	۱۵۱
آوردن گیومه بدون بستن آن	«نیاز برای برقراری	---	بند ۲، خط ۴،	۱۵۸
بلکه آن را	بلکه آن‌ها را	---	بند ۲، خط ۶	۱۵۸
هم‌راهی	باند واگن	Band Wagoning	بند ۱، خط ۵	۲۰۷
بداند که به چه چیزی می‌خواهد دست یابد.	بداند او (مؤنث یا مذکر) می‌خواهد به چه چیزی دست یابد	---	بند ۲، خط ۵،	۲۰۸
راه تغییر	راه واژگون کردن	---	بند ۳، خط ۱	۲۱۸
ادغام‌شده» است	تکثرگرا» ست	---	بند ۲، خط ۷،	۲۲۷
استقلال‌شان	استقلال آن‌ها	---	بند ۲، خط ۷ و ۸،	۲۲۷
انتقال/ تسری	مسافرت	---	بند ۳، ۱،	۲۲۷
ایده‌هایشان	ایده‌های او	---	بند ۳، خط ۳،	۲۲۷
سازمان آزادی‌بخش فلسطین	سازمان آزادی‌بخش رژیم صهیونیستی	---	بند ۴، خط ۶	۲۲۹
امنیت را به خطر می‌اندازد.	نامنی را به خطر می‌اندازد	---	بند ۱، خط ۳	۲۵۱

همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، یکی از واژه‌های کلیدی کتاب Invention است که به شکل‌های مختلف از جمله: ساخت، اختراع، ابداع، و ... ترجمه شده است؛ در حالی که بهترین معنی این واژه در شکل‌های مختلف آن ابداع است. مثلاً در صفحه ۹، بند ۱، خط ۵ اصطلاح «inventing regions» ساخت مناطق ترجمه شده است. یا همین اصطلاح در صفحه ۱۷، بند ۳، خط ۵ مناطق در حال ساخت ترجمه شده است. هم‌چنین، اصطلاح «invented» در صفحه ۲۰، خط ۳ ساخته شده معنی شده است. در صفحه ۲۱، بند ۲، خط ۱۱ اصطلاح invention نیز اختراع ترجمه شده است.

در ادامه در صفحه ۲۲، بند ۳، خط ۱ اصطلاح «a geopolitical invention» به ساخت ژئوپلیتیکی و در همان بند خط ۳ به اختراعی ژئوپلیتیکی ترجمه شده است. همین اصطلاح در صفحه ۲۶، بند ۲، خط آخر به ساخت‌های ژئوپلیتیکی ترجمه شده است و سرانجام در صفحه ۹۴ در عنوان «خاورمیانه به‌عنوان یک ابداع ژئوپلیتیکی» ابداع ترجمه شده است. بنابراین، با توجه به اهمیت بار معنایی Inventing/Invention به مفهوم ابداع یعنی ساخت چیزی جدید و غیرطبیعی، بهتر است از همان واژه آخری که برای این واژه استفاده شده یعنی «ابداع» بهره گرفته شود.

۲.۳ ارزیابی محتوایی اثر

۱.۲.۳ امتیازات محتوایی اثر

مواردی که در نگارش کتاب امنیت منطقه‌ای خاورمیانه می‌تواند به‌منزله امتیاز محتوایی مورد نظر قرار گیرد عبارت‌اند از:

۱.۱.۲.۳ جذابیت عنوان

از مهم‌ترین فاکتورهای هر نوشته‌ای، که در همان نگاه اول در مخاطب و خواننده اثرگذار است و نقش عمده‌ای در جذب خواننده دارد، عنوان آن نوشته است. امنیت منطقه‌ای خاورمیانه؛ رویکردی انتقادی عنوانی است که مورد علاقه دانشجویان و پژوهش‌گران حوزه‌های چندگانه مطالعات امنیت، منطقه‌گرایی، علاقه‌مندان به مسائل خاورمیانه و جهان اسلام، نظریه‌ها و رویکردهای انتقادی، علوم سیاسی، و روابط بین‌الملل است. نکته دیگر این که خاورمیانه به‌دلیل عوامل چندگانه از قبیل ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر، خاستگاه مذاهب عمده جهان و خصوصاً حضور اسرائیل به‌منزله

متحد آمریکا و غرب و مسئله فلسطین، دارابودن ذخایر عظیم انرژی و تحولات میدانی‌اش به‌لحاظ روند دموکراتیزاسیون، رشد افراط‌گرایی، و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از اهمیت زیادی برای مطالعه برخوردار است. نهایتاً این‌که مفهوم امنیت منطقه‌ای نیز هم به‌لحاظ دانشگاهی و مباحث جدید این حوزه و هم به‌دلیل کاربست آن درباره‌ی خاورمیانه اهمیت کاربردی موضوع را برجسته کرده است.

۲.۱.۲.۳ انسجام متنی - محتوایی

از نکات برجسته کتاب به‌لحاظ محتوایی انسجام و نظم حاکم بر آن است. ویژگی برجسته‌ای که برآمده از ساختار تاریخی و طبقه‌بندی‌شده کتاب به‌لحاظ تاریخی در دو الگوی نظری و عملی است. بنابراین، درعین‌حال که هر بخش به‌لحاظ تاریخی یک دوره مستقل را دربر می‌گیرد، اما به‌لحاظ محتوایی بخش‌ها از جمله الگوهای نظری و رویه‌های عملی آن در پیوند با بخش‌های پیشین و پسین خود قرار دارند. شیوه‌ای روش‌مند که ضمن رعایت انسجام متنی پیوستگی محتوایی را نیز به‌هم‌راه دارد.

۳.۱.۲.۳ رویکرد تاریخی

در این کتاب، نویسنده نگاهی تاریخی به مصطلح‌شدن «خاورمیانه» و امنیت منطقه‌ای در ادبیات سیاسی می‌اندازد که ضمن کمک به غنای بحث‌ها در حوزه پیوند مناطق ابداع‌شده و امنیت به مخاطبان کتاب، از جمله علاقه‌مندان به خاورمیانه، کمک می‌کند از یک‌طرف، با سیر تحول اصطلاح جغرافیایی خاورمیانه به‌لحاظ تاریخی آشنا شوند (بیلگین ۱۳۹۳: ۹۴-۹۵)، از طرف دیگر، رویکردهای متعارض امنیتی به خاورمیانه را به‌لحاظ دوره‌های زمانی مختلف بهتر درک کنند. بنابراین، شناخت و معرفت برگرفته از این کتاب درباره امنیت در منطقه خاورمیانه، که براساس روندهای تاریخی و هم‌چنین تحولات ژئوپلیتیکی است، عمیق و غیرسطحی خواهد بود.

۴.۱.۲.۳ ارائه الگوهای نظری

یکی از نکات مثبت کتاب ارائه الگوهای نظری و رویه‌های عملی امنیت در سه دوره تاریخی گذشته (جنگ سرد) و حال (پس از جنگ سرد) و آینده (سناریوهای جای‌گزین امنیت برای آینده) است. در بحث الگوهای نظری امنیت، نویسنده با به‌کارگیری رویکرد انتقادی، ضمن نقد جریان‌های سنتی امنیت، الگوهای جدید را براساس بازانديشي امنیت و مفهوم‌سازی آن با فراخ‌ساختن و تعمیق مطرح کرده است (همان: ۲۴۹)، که مهم‌ترین

دستاورد آن‌ها تنوع‌بخشی به مراجع امنیت از لحاظ فرمولی و فراملی و ارائه رویه عملی رهایی‌بخش در جهت شکل‌دهی به آینده‌های جای‌گزین است. هم‌چنین، نویسنده کتاب الگوهای امنیتی حاکم در هر دوره را طبقه‌بندی کرده است؛ در نتیجه، خواننده کتاب بهتر می‌تواند تحول امنیتی منطقه را به لحاظ نظری و رویه‌های عملی براساس چهارچوب‌های مشخص درک کند.

۵.۱.۲.۳ پیوند نظریه و عمل

یکی از امتیازات دیگر این کتاب تأکید نویسنده بر رویه‌های عملی در کنار الگوهای نظری است، یا به عبارتی دیگر تأکید بر پیوند نظریه و عمل است. بر همین اساس، نویسنده عقیده دارد که رویه‌های عملی در دوره‌های چندگانه از برداشت‌های نظری به امنیت برآمده‌اند. بنابراین، در این کتاب استدلال شده است که رویکردهای متعارض به امنیت الزامات عملی خاص خود را به‌هم‌راه داشته‌اند و خواهند داشت. نکته‌ای که به‌خوبی پیوند بین نظریه‌ها و الزامات عملی خصوصاً منافع عینی بازیگران را نشان می‌دهد. برای مثال، رویه‌های عملی متأثر از نگاه غربی به امنیت در جنگ سرد هدفشان امن کردن خاورمیانه و دورنگه‌داشتن آن از تهدیدات شوروی بود، درحالی‌که رویه‌های عملی متأثر از امنیت ملی عرب شکل‌گیری نظام منطقه‌ای عرب است که هدف آن حاصل شدن امنیت منطقه‌ای با نگاهی درونی و براساس دغدغه‌های جوامع عربی بود (Bilgin 2015)؛ البته شکاف اصلی پس از جنگ سرد در منطقه نه میان گفتمان‌های امنیت ملی عرب و خاورمیانه، بلکه میان رویکردهای ثبات‌محور و حفظ وضع موجود آمریکا و متحدانش و گفتمان‌های ضد وضع موجود بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی است.

۶.۱.۲.۳ نوآوری کتاب

نوآوری نویسنده کتاب به‌منزله یکی از نکات مثبت این نوشته با عنوان «آینده‌های جای‌گزین» آورده شده است (بیلگین ۱۳۹۳: ۲۰۷). بیلگین با اتخاذ رویکردی انتقادی، ضمن نقد الگوهای پیشین، سعی می‌کند سناریوهای پیش‌رو را به‌مثابه آینده‌های مطلوب مطرح کند. در این نگاه، آینده‌های مطلوب زمانی دست‌یافتنی است که محور اصلی آن براساس امنیت به‌مثابه رهایی باشد. برای این منظور، نداشتن رویکرد انتقادی به امنیت در خاورمیانه به‌منزله تداوم‌بخشیدن ناامنی‌های منطقه خواهد بود. بنابراین، نویسنده با بازخوانی سناریوهای چهارگانه شامل: خاورمیانه به‌منزله محل رشد چندپارگی، برخورد تمدن‌ها،

استقرار صلح دموکراتیک در خاورمیانه، و اجتماع امنیتی، در نهایت، تلاش می‌کند ایده اجتماع امنیتی را در خاورمیانه از منظر فاکتورهای بومی به‌کار گیرد. به‌طور کلی، درباره نوآوری کتاب می‌توان گفت که نویسنده تلاش کرده است نه تنها نگاه‌های سنتی و غرب‌محور به امنیت را بررسی کند، بلکه نگاه‌های برآمده از بازیگران منطقه‌ای را نیز به‌طور انتقادی واکاوی کند و با عبور از کاستی‌های این دو نگاه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تلاش کند الگویی موفق در جامعه غربی را با عنوان اجتماع امنیتی در خاورمیانه با لحاظ سه سطح شرایط تسریع، شرایط تسهیل‌کننده، و شرایط لازم ارزیابی کند.

۷.۱.۲.۳ منابع برجسته خارجی و داخلی

از مزایای عمده این کتاب استفاده از منابع اصیل و برجسته خاورمیانه‌شناسان غربی هم‌چون برنارد لوئیس (۱۹۹۰)، فرد هالیدی (۱۹۸۷)، و باری بوزان (۱۹۹۱) در کنار اندیشمندان برجسته جهان سوم و خاورمیانه‌ای مثل محمد ایوب (۱۹۸۶)، محمد هیکل (۱۹۷۸)، آمیتا آچاریا (۱۹۹۷)، اف بولوت (۲۰۰۳)، دینا عزت (۲۰۰۳)، آر. هشان (۱۹۷۵)، ای. اس. ابراهیم (۱۹۹۴)، ام. خلدوری (۱۹۵۷)، آر. خالیدی (۲۰۰۳)، کمال خرازی (۲۰۰۳)، ای. مصطفی (۱۹۹۸)، اس. نصر (۱۹۹۷)، روح‌الله رضوانی (۱۹۹۸)، ادوارد سعید (۲۰۰۱)، علی سعید (۱۹۹۶)، ان. شفیق (۱۹۹۹)، و هشام شرابی (۱۹۸۸) است. روی هم‌رفته امتیازات محتوایی اثر شامل عنوان جذاب، انسجام متنی، رویکرد تاریخی، ارائه الگوهای طبقه‌بندی‌شده و سیر تحول نظریه‌های امنیت منطقه‌ای و بازیگران آن، پیوند مباحث نظری و عملی در هر بخش، نوآوری نظری، و استفاده از منابع اصیل و برجسته خاورمیانه‌شناسان غربی در کنار اندیشمندان برجسته جهان سوم و خاورمیانه‌ای است که در بالا مورد بحث قرار گرفت.

۲.۲.۳ کاستی‌های محتوایی اثر

کتاب امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه با وجود امتیازات محتوایی، که به آن‌ها اشاره شد، برخی کاستی‌های محتوایی هم دارد که در این قسمت به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱.۲.۲.۳ نداشتن تعریف دقیق و کاربردی از مفاهیم دوگانه امنیت و منطقه

از کاستی‌های مهم کتاب این است که مفهوم امنیت و منطقه بدون تعریف باقی مانده‌اند. نویسنده در این کتاب بیش‌تر رویکرد انتقادی به امنیت منطقه‌ای را به‌لحاظ نقد دیدگاه‌های

ستی و دیدگاه‌های جدید بررسی کرده است (بیلگین ۱۳۹۳: ۱۷)، درحالی‌که امنیت و منطقه به‌منزله مفاهیم محوری کتاب لازم است، به‌جای توصیف‌های متعدد، تعریف مشخص و عملیاتی داشته باشند.

۲.۲.۲.۳ خاورمیانه اصطلاحی مبهم و چندگانه

یکی از مواردی که در کتاب امنیت منطقه‌ای خاورمیانه هم‌چنان مبهم و سیال است اصطلاح خاورمیانه است که فقط به‌لحاظ روند تاریخی و الگوهای جای‌گزین مطرح شده است (همان: ۹۰-۹۸). خصوصاً این‌که این اصطلاح منتقدانی هم داشته است که به دلایل تاریخی و جغرافیایی آن را رد کرده‌اند؛ از جمله نیکی کیدی (Nikki Keddie) که در سال ۱۹۷۳ با مقاله‌ای با عنوان «آیا خاورمیانه وجود دارد» وجود منطقه‌ای به‌نام خاورمیانه را به‌چالش کشید (Keddie 1973: 255-271). هم‌چنین محمد هیکل (Mohammad Heikal) سردبیر روزنامه‌ی الاهرام مصر و مشاور رئیس‌جمهور ناصر نیز با این استدلال که تعریف این منطقه به‌عنوان خاورمیانه مردمان عرب ساکن در این سرزمین‌ها را به‌حاشیه رانده است آن را جعلی و ناسازگار با هویت جغرافیایی منطقه خواند (Heikal 1978). بنابراین، برای فهم دقیق آن بهتر است در این کتاب تعریف مشخصی به‌لحاظ سرزمینی از آن ارائه شود؛ خصوصاً این‌که نظریه غالب امروز درباره‌ی خاورمیانه از شمال آفریقا و جنوب‌غربی آسیا شامل ترکیه، شبه‌جزیره عربی، ایران، افغانستان، و پاکستان نام می‌برد (بهرامی ۱۳۹۵: ۸۲). یا این‌که منطقه خاورمیانه با توجه به ادبیات سیستم و زیرسیستم یا سامانه و خرده‌سامانه کاربرد دارد (ابراهیمی ۱۳۸۶). هرچند بیلگین در انتهای مقدمه صریحاً اعلام می‌کند که هدف این نوشتار ارائه برچسب جدید برای جای‌گزین کردن خاورمیانه نیست (بیلگین ۱۳۹۳: ۲۶).

۳.۲.۲.۳ نداشتن سطح تحلیل

از کاستی‌های دیگر این کتاب اتخاذ نکردن سطح تحلیل برای بررسی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه است؛ درحالی‌که یکی از فاکتورهای مهم نوشته‌های علمی داشتن سطح تحلیل به‌لحاظ روشی است که به شناخت، وصف، تجزیه و تحلیل، و سرانجام تفسیر انسان جهت می‌دهد (سیف‌زاده ۱۳۸۳: ۴۱) و لحاظ نکردن آن کاملاً در آشفتگی محتوا اثرگذار خواهد بود؛ خصوصاً این‌که عنوان این کتاب بر سطح منطقه‌ای تأکید دارد و لازم است نقش بازیگران فراملی و فراملی در این سطح به‌شکل روش‌مند مشخص شود تا کارآمدی یا ناکارآمدی آن‌ها در نبود شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای تبیین شود.

۴.۲.۲.۳ ابهام تئوریک

یکی از نقدها در به‌کارگیری رویکرد انتقادی ارائه‌نکردن طبقه‌بندی مشخص و آشکار از نظریه‌های انتقادی باتوجه‌به دو معنای خاص آن است که اولی به‌معنای عام شامل طیف وسیعی از دیدگاه‌های انتقادی در روابط بین‌الملل درمقابل جریان اصلی (خصوصاً واقع‌گرایی) است و دومی به‌معنای خاص متأثر از مکتب فرانکفورت و شامل پساتجددگرایی، پساساختارگرایی، و فمینیسم است (مشیرزاده ۱۳۸۴: ۲۱۳). حال آن‌که نویسنده کتاب رویکرد انتقادی را هرچند بیش‌تر به معنای اول درمقابل برداشت واقع‌گرایی از امنیت منطقه‌ای به‌کار برده است (حق‌پناه ۱۳۹۴: ۱۷۵)، در سراسر کتاب بدون لحاظ این طبقه‌بندی معنایی مفهوم دوم، یعنی «رهایبی»، نکته محوری مکتب فرانکفورت را مدنظر داشته است.

۵.۲.۲.۳ ضعف تئوریک

درکنار ابهام تئوریک، این کتاب از ضعف تئوریک نیز برخوردار است که این ضعف ناظر بر دو نکته است: نکته اول، نبود انتخاب نظریه مناسب برای تحلیل امنیت در منطقه خاورمیانه؛ به‌گونه‌ای که بیلگین در بررسی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه بر پیوند امنیت و منطقه تأکید دارد و در مقدمه کتاب از ساخت‌های ژئوپلیتیکی امنیت به‌منزله ریشه وضعیت کنونی امنیت منطقه‌ای خاورمیانه نام می‌برد و با اشاره به دیدگاه‌های ویور (۱۹۸۹) و بوث و ویلر (۱۹۹۲) در صفحه ۱۹ و ۲۷ کتاب نیز استدلال می‌کند که در رویکرد امنیت انتقادی هر دو مفهوم منطقه و امنیت باید خود را در معرض نقد قرار دهند (بیلگین ۱۳۹۳: ۱۹). حال آن‌که برای تحلیل امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه با محوریت رابطه بین منطقه و امنیت لازم است صریحاً به نظریه ژئوپلیتیک انتقادی اشاره شود که به پرسش‌ها درباره رابطه مناطق و سیاست موردنظر نویسنده پردازد (Lewis and Wigen 1997)؛ همان‌طور که بیلگین در صفحه ۱۸ کتاب، پاراگراف اول خط ۴، نیز برای فهم امنیت منطقه‌ای خاورمیانه بر رابطه سازنده میان ساخت‌های ژئوپلیتیکی و رویه عملی امنیت تأکید دارد و در پایان مقدمه در صفحه ۲۶ هدف اصلی این کتاب را پرداختن به رابطه میان ساخت‌های ژئوپلیتیکی و رویه‌های عملی امنیت می‌خواند (بیلگین ۱۳۹۳: ۲۶).

نکته دوم این‌که، نویسنده باوجود اشاره‌های پراکنده به اجزای نظری مکتب کپنهاگ و نظریه‌پردازان آن، از جمله باری بوزان (۱۹۹۱) و ویور (۱۹۹۵)، هیچ اشاره‌ای به این نظریه برجسته در حوزه امنیت منطقه‌ای نکرده است. حال آن‌که در سراسر کتاب از عناصر اصلی نظریه ازقبیل فراخ‌کردن امنیت و تعمیق امنیت استفاده می‌کند (همان: ۳۲). بنابراین، می‌توان

گفت از کاستی‌های عمده کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه* نادیده گرفتن مکتب کپنهاگ است که به مثابه راه میانه‌ای در مطالعات امنیتی نگاه مبسوطی به منطقه و امنیت منطقه‌ای دارد (ابراهیمی ۱۳۸۶) و استفاده از آن می‌تواند بسیاری از سازوکارهای مغفول‌مانده در تحلیل‌های سنتی امنیت را مورد توجه قرار دهد (حاجی‌مینه ۱۳۸۹: ۱۸).

۶.۲.۲.۳ ضعف مباحث فرانظری

یکی از کاستی‌های دیگر کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه* با رویکرد انتقادی لحاظ نکردن مباحث فرانظری به شیوه‌ای روش‌مند است. یکی از ویژگی‌های مهم نظریه انتقادی اتخاذ مجموعه‌ای از تعهدات هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، و عمل‌گرایی است (قوام و حاجی‌مینه ۱۳۸۹: ۱۷) که در زمان کاربست آن مورد توجه قرار گیرد. بیلگین هرچند در عنوان و در بخش اهداف پژوهش این کتاب بر رویکرد انتقادی به امنیت منطقه‌ای تأکید می‌کند، اما به مبانی فرانظری انتقادی مگر به صورت جزئی آن هم به نقل از نویسندگان دیگر اشاره نمی‌کند (بیلگین ۱۳۹۳: ۲۴، ۳۴، ۳۷). بنابراین، این بی‌توجهی به مباحث فرانظری در کتاب باعث شده است که از اختلاف نظریه‌های سنتی و انتقادی از این جنبه، که بسیار هم مهم و کاربردی است، غفلت شود.

۷.۲.۲.۳ بی‌توجهی به هویت

از کاستی‌های مهم این کتاب خصوصاً در بحث سناریونویسی و آینده‌های جای‌گزین لحاظ نکردن مفهوم هویت به منزله یکی از مهم‌ترین عوامل داخلی شکل‌دهنده به نیروهای سیاسی و نظم منطقه‌ای به شیوه‌ای مستقل و محوری است. این عنصر نه تنها در الگوهای امنیت منطقه‌ای پیشین هم چون نظام منطقه‌ای عرب یا خاورمیانه اسلامی، که محوری‌ترین عامل شکل‌گیری آن‌هاست، کم‌تر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است، بلکه در بحث آینده‌های جای‌گزین نیز مورد غفلت واقع شده یا به شکلی غیراساسی پرداخته شده است؛ از جمله در مدخل‌هایی هم چون خاورمیانه در حال جهانی شدن، خاورمیانه به منزله محل رشد چندپارگی (اقلیت استعماری لیموزین‌نشین و اکثریت جهانی پیاده)، برخورد تمدن‌ها (به عبارتی دیگر همان برخورد هویت‌هاست)، و اجتماع امنیتی (الگوی کارل دویچ و همکاران) (همان: ۲۱۵-۲۲۵). مثلاً بیلگین در کاربست سطح سوم (شرایط لازم) طرح‌واره آدلر و بارنت با ذکر مثال تغییر هویت مردم عربستان از هویت عثمانی به ملی‌گرایی عربی و نهایتاً هویت خلیج فارسی (همان: ۲۳۸) استدلال می‌کند که براساس این امکان تحول

هویت، رسیدن به هویت مشترک در منطقه خاورمیانه دست‌یافتنی است. حال این‌که چگونگی این امکان را به‌شکل منطقه‌ای در خاورمیانه توضیح نداده است.

۸.۲.۲.۳ بی‌توجهی به فضای پسا یازده سپتامبر

از کاستی‌های عمده کتاب بی‌توجهی نویسنده به زمان و شرایط انتشار آن است. همان‌طور که اولین سال انتشار کتاب در سال ۲۰۰۵ رونج کرزون، چهار سال پس از حادثه تروریستی یازده سپتامبر، است؛ زمانی که خاورمیانه به کانون توجه نظام بین‌الملل به‌منزله مرکز تهدید در دوران پس از یازده سپتامبر تبدیل شد و استراتژی‌های جدید آمریکا نیز در خاورمیانه آغاز شد و در همه سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی اثرگذار بود و امنیت به مفهوم نخست نگاه منطقه‌گرایی تبدیل شد. دوره‌ای که نقش بازیگران بین‌المللی هم‌چون آمریکا در ترتیبات منطقه‌ای به بهانه مبارزه با تروریسم بسیار شدت گرفت و لحاظ‌نکردن آن باعث تحلیلی ناکارآمد از منطقه‌گرایی در خاورمیانه می‌شود. غفلتی که تا اندازه زیادی غنای کتاب به‌لحاظ محتوایی - تاریخی خصوصاً در بحث ارائه الگوی جای‌گزین برای فراهم کردن شرایط امنیت منطقه‌ای را با ناکارآمدی مواجه کرده است.

۹.۲.۲.۳ خاورمیانه اروپا نیست

یکی دیگر از کاستی‌های کتاب کاربست الگوهای نظری غربی برای منطقه خاورمیانه است. با وجود این‌که نویسنده کتاب از خود منطقه، ترکیه، است و انتظار می‌رود با اتخاذ رویکرد انتقادی، پس از نقد دیدگاه‌های سنتی و بحث درباره آینده‌های جای‌گزین، الگویی بومی منطبق بر ساختار و هویت بازیگران خاورمیانه ارائه کند، اما در نهایت الگوی جامعه امنیتی کارل دوپیچ و همکارانش (۱۹۵۷) را با توجه به طرح‌واره سه‌سطحی آدلر و بارنت (۱۹۹۸) به کار می‌گیرد. هرچند خاورمیانه به‌منزله منطقه‌ای در حوزه جهان سوم با چالش‌های امنیتی متفاوتی در مقایسه با اروپا برخوردار است و به‌قول کارولین توماس (۱۹۸۷) مطالعه امنیت در جهان سوم نیازمند رویکردی جای‌گزین است که تأکید بیشتری بر ابعاد توسعه‌ای و سیاسی داخلی امنیت داشته باشد.

۴. نتیجه‌گیری

کتاب امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه (۲۰۰۵) نوشته پینار بیلگین و ترجمه عسگر قهرمان‌پور یکی از نوشته‌های برجسته درباره روندها و رویکردهای امنیتی در منطقه خاورمیانه است که

در این مقاله نقد شد. در این زمینه، ضمن نقد دوگانه این اثر به لحاظ شکلی و محتوایی، هم مزایا و هم کاستی‌های آن ارزیابی شد. این مقاله با بررسی بخش‌های سه‌گانه کتاب با عنوان گذشته، حال، و آینده نشان می‌دهد که بیلگین در این کتاب نخست سعی کرده توضیح دهد که چرا امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه شکل نگرفته است و چگونه در آینده چنین امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه می‌تواند عملی شود (Yossef 2006: 223-225). بنابراین، وی ضمن انتقاد مختصری از رویکردهای مختلف به امنیت که اصولاً دولت‌محور، نظامی‌محور، از بالا به پایین، متوجه خارج، و متأثر از تفکر جنگ سردند، می‌گوید که مطالعات امنیت انتقادی الگوی جامع‌تری درباره امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه ارائه می‌کند.

بر همین اساس، سؤال اصلی مقاله این بود که بازنگری انتقادی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه از دیدگاه بیلگین چه نوآوری نظری و عملی داشته است؟ که براساس نقد کتاب می‌توان گفت بیلگین با اتخاذ رویکرد انتقادی برای مطالعه امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه، ضمن نقد نظریه‌های سنتی و غیربومی به امنیت در خاورمیانه، تلاش کرده است الگوی جدیدی از امنیت منطقه‌ای را برگرفته از جامعه امنیتی کارل دویچ به لحاظ نظری معرفی کند، هرچند که در عمل امکان شکل‌گیری‌اش با چالش‌های جدی روبه‌روست. خصوصاً این‌که این اقدام بیلگین نیز چیزی جز کاربست الگوهای نظری غربی برای منطقه خاورمیانه نیست که حتی در آن هم بر نقش بازیگران فرامنطقه‌ای تأکید زیادی شده است (بیلگین ۱۳۹۳: ۲۳۳). گرچه با توجه به اتخاذ رویکرد انتقادی کتاب و نشان‌دادن ناکارآمدی نظریه‌های غربی برای جوامع در حال توسعه و مناطق دیگر، هم‌چون خاورمیانه، انتظار می‌رفت نویسنده پس از نقد نظریه‌های سنتی و پیشین نظریه‌ای جدید با عناصر بومی ارائه کند. چیزی که بیلگین (۲۰۱۵) نه در این کتاب، بلکه ده سال بعد در مقاله‌ای جدید با عنوان «امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه، ما دنبال چه چیزی هستیم؟» این انتظار را برآورده کرد.

بیلگین در مقاله جدید با معرفی دو الگوی دیگر به نام‌های «فضای ژئوپلیتیکی عثمانی ترکیه» و «المیدان»، ضمن پذیرش ناکارآمدی الگوهای امنیتی پیشین، برای تبیین امنیت منطقه‌ای خاورمیانه تلاش می‌کند دیدگاه‌های بومی منطقه‌ای به امنیت در خاورمیانه را ارائه کند؛ آن‌چه را می‌توان در جهت برطرف کردن نقد وارد شده بر کتاب امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه یعنی ارائه‌نکردن چهارچوب نظری بومی تلقی کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد بهتر است که نویسنده در چاپ مجدد این کتاب مطالب مقاله جدید را به محتوای کتاب ویرایش شده اضافه کند تا ضمن برطرف کردن نقدهای محتوایی الگوهای جدید امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه را هم مورد بحث قرار داده باشد.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، «امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه»، وب‌سایت آفتاب، <<http://www.aftabir.com>>.
- بهرامی، سیامک (۱۳۹۵)، *برسازی اجتماعی و ریشه‌های تروریسم در خاورمیانه*، کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- بیلگین، پینار (۱۳۹۳)، *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه*، ترجمه‌عسگر قهرمان‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- تریف و دیگران (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه‌علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجی‌مینه، رحمت (۱۳۹۲)، «مکتب کپنهاگ: مفاهیم و آموزه‌ها»، *خبرنامه مطالعات جهان*، س ۲، ش ۲.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۴)، «بررسی و معرفی کتاب امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه»، *همشهری دیپلماتیک*، نشریه تحلیلی - سیاسی، ش ۱۷۴.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، *اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)*، تهران: میزان.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۱)، *امنیت منطقه‌ای خاورمیانه، رویکردها، الزامات*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فاست، لوئیس (۱۳۹۲)، *روابط بین‌المللی خاورمیانه (چاپ سوم)*، ترجمه‌احمد سلطانی‌نژاد، تهران: وزارت خارجه.
- قوام، سیدعبدالعلی و رحمت حاجی‌مینه (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی پدیده تروریسم از دیدگاه نظریه‌های ارتدوکس و انتقادی: مطالعه موردی؛ حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. ک. ک)»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی راه‌یافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۲۲، تابستان.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.

Bilgin, Pinar (2005), *Regional Security in the Middle East: A Critical Perspective*, London and New York: Routledge Curzon.

Bilgin, Pinar (2015), "Regional Security in the Middle East- what is that we Seek?", *Center for Mellemostudier, Debate Analysis*, <[file:///C:/Users/11880253/Downloads/150901__Bilgin%20\(2\).pdf](file:///C:/Users/11880253/Downloads/150901__Bilgin%20(2).pdf)>.

Bilgin, P., K. Booth, and R. Wyn Jones (1998), "Security Studies: The Next Stage?", *Nacao e Defesa*, vol. 84.

Deutsch, K.W. et al. (1957), *The Political Community in the North Atlantic Area: International Organization in the Light of Historical Experience*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Keddie, N. (1973), "Is There a Middle East?", *International Journal of Middle East Studies*, vol. 4, no. 3.
- Heikal, M. H. (1978), "Egyptian Foreign Policy", *Foreign Affairs*, vol. 56, no. 4.
- Lewis, M. W. and K. Wigen (1997), *The Myth of Continents: a Critique of Metageography*, Berkeley: University of California Press.
- Maoz, Zeev et al. (2004), *Building Regional Security in the Middle East: International, Regional and Domestic Influences*, London: Frank Cass Publishers.
- Yossef, Amir (2006), "Book Review, Regional Security in the Middle East: A Critical Perspective", *Millennium*, vol. 35, Issues 1.

